

# اصول نوشتن نمایشنامه های رادیویی

اصول نوشتن نمایشنامه های رادیویی از حقایق تلخ

● نویسنده: جیم کروک

ترجمه: مژگان مخاطبی اردکانی

مخاطب شدن به داستان را بیاید. از مسیرهای طولانی که سرعت شونده را می کند اجتناب کنید و سعی کنید خیلی سریع، شونده را به سمت اصل مخاطب سوق دهید.

## ساختار

شروع پیکار و مبارزه و نتیجه، حتماً شروع داستان، جنجال بزرگتر و مهیج تر از نتیجه است، می تواند جای این دو را عوض کنید. نمایشنامه تان را به عنوان سلسله ای از مراحل به حساب آورید.

## طرح داستان

متن داستان با پیچ و خم های بسیار همراه است؛ هرچه این پیچ و خم ها بیشتر باشد، داستان خوشایندتر خواهد بود. بیشتر شنوندگان از داستان های مهیج لذت می برند. نداشتن طرح داستانی زیبا و جذاب، لذت بردن را از شنونده سلب می کند. شما برای نوشتن طرح یک داستان، به نوشتن چندین طرح نیازمندید. حداقل دو طرح داستانی را مهیا سازید. دو داستان که به شکل منطقی در یک نمایش نامه به کار روند، آن را مهیج تر می سازند. بهترین روش، استفاده از داستان اصلی و فرعی مرتبط با یکدیگر است. داستان را طوری طراحی کنید که این دو موضوع اصلی و

فرعی اجرا شوند. با شکل موازی می شوید. شنوندگان برنامه شما را به هم می کشند و اینجاست که شکست می خورد. سعی کنید یک نمایشنامه تان را به حساب بیاورید.

## لحظه ورود به داستان

این که چگونه شنوندگان خود را وارد داستان کنید، بسیار اهمیت دارد. به آنها یک تخی خواب گرم و نرم با یک بالش راحت و یک بطری آب گرم بدهید (یعنی خیلی راحت، داستان را در اختیار آنها قرار ندهید). بهتر است زمینه کهن از طریق حرکات مهیج و نمایشی آشکار و پرده برداری شود. بنابراین، شنوندگان خود را بر اوج لحظه ای مهیج از داستان فرود بیاورید، نه نقطه ای اوج داستان، زیرا اگر شنونده را در نقطه اوج داستان، وارد متن کنید، شتابزده و با عجله عمل کرده اید. لحظه مناسب برای

بیشتر نمایش نامه های رادیویی به شیوه ای ناپسند نوشته می شود. این گونه نمایشنامه ها در معرض مخاطره قرار دارند. نمایش نامه های رادیویی هرگز روند کلی برنامه سال را در برنامه های رادیویی خصوصی بریتانیا به دست نیابده اند. این برنامه ها در آمریکا و استرالیا، مسیر اصلی خود را یافته بودند اما از اواسط دهه پنجاه تا اواخر آن، جای خود را به برنامه های تلویزیونی دادند. این برنامه ها در سروسیس های رادیویی همگانی از قبل بی بی سی با خطر روبه رو هستند، زیرا تحت فشار عقاید هواداران نظریه کنترل اقتصادند و این حقیقت وجود دارد که نویسندگان و کارگردانان نمایش نامه های رادیویی، افرادی بسیار خوش گسردان و راحت طلب اند. تولیدات نمایش نامه های رادیویی مستقل، نور امید است که حمایت از قوانین نمایش نامه های بدیع و نو ظهور را به دنبال دارد.

## اصول اساسی نگارش نمایشنامه های رادیویی

شروع نمایش نامه

شروع نمایش نامه، مهم ترین قسمت آن است. چنانچه این قسمت به

دارند یا نه. حال و هوای داستان تنها به وسیله مکالمه های نمایشی و مهیج ایجاد نمی گردد.

**نگرش و جو مخصوص داستان نیز وجود دارد که به وسیله جزئیات و نکات مربوط به موضوع مشخص می گردد.** این جزئیات می تواند شامل تأثیر صدا، نوشته، موزیک و خیلی چیزهای دیگر باشد. اما نتیجه این است که بعد پنجم از نوشته های رادیویی! یعنی قدرت تخیل و تصور شونده، تحریک و برانگیخته می شود تا به قصر نمایشی ذهن تبدیل گردد.

واقعی نیست اگر قادر نیستید یک چنین نمایش نامه ای بسازید، با شکست مواجه خواهید شد.

### مکالمه

این چنین است که ما به نحوی شگفت انگیز با دنیای بیرون ارتباط برقرار می کنیم. شخصیت ها در نمایش نامه از طریق گفتگو با یکدیگر آگاهی می دهند؛ بحث و تبادل نظر می کنند؛ توهین می کنند و شونده را مشغول می سازند. به وسیله این گفتگوها در مسکالمات نمایشی، نمایش نامه های بزرگ رادیویی ساخته می شوند.

فرعی در پایان داستان، به یکدیگر ملحق شوند.

### حادثه غیرمنتظره

بیشتر افراد، خواهان تفریح و جلب توجه هستند. اگر آنها یکتواختی را می خواستند، در این صورت به جای گوش دادن به نمایش نامه رادیویی شما، فرم های مالیاتی شان را پر می کردند. سعی کنید در حالی که افراد را شگفت زده و متعجب می کنید، آنها را پرتسایید.

### شخصیت داستان

شخصیت اصلی شما باید ترحم و دلسوزی شونده گان را برانگیزد. شونده باید با شخصیت اصلی داستان، احساس همدردی کند. اگر این اتفاق رخ ندهد، شما در کار خود با شکست مواجه شده اید.

### تعارض

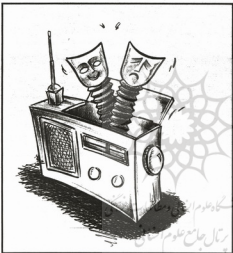
نمایش نامه مساوی با تعارض و کشمکش است و تعارض نیز به نوبه خود مساوی با شونده بیشتر. مطمئناً یک مبارزه جسمی، اخلاقی، اجتماعی، مالی و یا احساسی وجود خواهد داشت که شونده رامی خنداند و یا می گریاند. شما نیز حتماً می خواهید شونده، بخندد و یا گریه کند و یا هم بخندد و هم گریه کند. اگر از عهده این کار بر نمی آید، دست از این کار بردارید.

### تضادهای افراط و تفریطها

هنر قصه گوئی، کنکاش و بازیگری پیرامون محدودیت های بسیار زیاد در زمینه حیات جسمی و روانی ما به حساب می آید و بیان کننده یک تضاد در مقابل تضاد دیگر است.

### نقطه اوج داستان

یک نمایش نامه خوب رادیویی باید مانند احساسات عاطفی، با گسترش تمایل مداوم و شگفتی همراه باشد. غلبان و فوران ناگهانی شغف، علاقه



### احساس

تصور کنید که در متن داستان قرار دارید. شما باید عکس العمل احساسی شونده را ترجیحاً نسبت به شخصیت اصلی برانگیزید. البته این احساس نسبت به شخصیت های دیگر، با شدت

### جو داستان

از طریق جو داستان، روح پراحساس و هیجانی داستان، نمایان می گردد. جو داستانی مشخص می کند که آیا شونده گان، دنیایی را که شما از طریق داستان خلق کرده اید، باور

کمتر به وجود می‌آید. احساس ممکن است عشق، تفر و یا تحسین باشد. هرگز به نوع احساس اهمیت ندهید، بلکه افکار خود را بر وجود و یا عدم وجود آن احساس، متمرکز کنید. ارتباط احساسی میان شنونده و نوشته‌متنچرا به خلق یک نمایش‌نامه رادیویی خوب و عالی می‌گردد.

### شنوندگان خود

**را بر اوج لحظه ای مهیج از داستان فرود بیاورید، نه نقطه ی اوج داستان، زیرا اگر شنونده را در نقطه اوج داستان، وارد متن کنید، شتابزده و با عجله عمل کرده‌اید.**

برقراری تعادل نوین شخصیت و روان داستان شما باید هر دوی آنها را داشته باشید. شما نمی‌توانید آنها را معاوضه کنید، اما یکی از این دو می‌تواند بر دیگری برتری داشته باشد. چنانچه شخصیت پردازی با گسترش طرح داستان مربوط باشد، این دو می‌توانند به طور برابر متعادل باشند. چنانچه طرح اصلی داستان شما، بر شخصیت تأکید دارد، مطمئن باشید که طرح فرعی داستان بر طرح داستان تأیید دارد.

**مفهوم**  
قانون طلایی کروک این است که هر کلمه، هر خط و هر صحنه از نمایش‌نامه باید مفهومی نمایشی در قالب شخصیت پردازی و گسترش طرح داستان در برداشته باشد. هر چیزی را که مفهوم نمایشی دربر ندارد

از نمایش‌نامه خود حذف کنید.

### تنش و مزاح

برای این که شنونده خوابش نبرد و از موضوع پرت نشود، همیشه تنش را ادامه بدهید و مزاح را به آن اضافه کنید؛ بدین صورت: تنش، مزاح - تنش، مزاح - تنش، مزاح، آهنگ موزون احساسات را در نمایش‌نامه طوری بسازید که در قلب و ذهن شنونده به اهتزاز درآید. افسون و هشدار، افسون و هشدار، اما آنها باید با هم مرتبط باشند. شخصیت شما از مزاح استفاده می‌کند تا به تنش موجود در صحنه و یا نمایش‌نامه عکس‌العکس نشان دهد. پسکی از شخصیت‌ها را در نظر بگیرید که از مزاح و شوخ طبعی برای مقابله در موقعیت‌های سخت و مشکلات استفاده می‌کند. مطمئن شوید که مزاح به صورت لفظی است. شوخی بیش از حد و فراتر از لفظ متعلق به نوع متفاوتی از نمایش‌نامه و یا سرگرمی است. مراقب باشید که شخصیت‌ها، به منظور جذابیت کردن نمایش‌نامه، از شوخی‌های مکرر استفاده نکنند. این شیوه بازی به معنی کم‌دلی نیست. مطمئن شوید شخصیتی که از مزاح و شوخ طبعی استفاده می‌کند این حس را به طور مداوم داراست.

چگونه می‌توانید شنونده را در حال و هوای نمایش‌نامه نگه دارید؟  
- احساس همدردی و همدلی با شخصیت اصلی  
- صحنه‌های عالی و تمام عیار  
- آدم شرور و یا دشمن اصلی و ناخوشایند  
- طرح داستان فوق‌العاده و بی‌تغییر  
- بحران در ابتدای نمایش‌نامه، مهیج است و شروعی بسیار خوب است.  
- تشدید احساسات  
- درگیری فزاینده، به طوری که ساختار

نمایش‌نامه با تنش و مزاح پیش می‌رود.  
- با پرداختن به جزئیات، به داستان حال و هوا بدهید.  
- هیجان و هیجان، چیزی است که شما به واسطه طرح داستان به شنونده تقدیم می‌کنید.

### اصول اساسی درباره نمایش‌های

#### دنباله دار

- مقدمه  
- شخصیت اول: منظور و هدف  
- شخصیت دوم: منظور و هدف  
- هدف قسمت‌های نمایش در مجموع طرح داستان  
- یکی از شخصیت‌ها به هدف دست می‌یابد.  
- اتصال و ارتباط با قسمت بعدی به وسیله معرفی یا اشاره به قسمت بعدی یا حضور شخصیت در قسمت بعدی.

### علامت‌های سؤال در ذهن

#### شنونده

**اصول اساسی درباره شخصیت**  
- قابل باور و قابل شناسایی بودن  
- هدف مندی در طرح داستان  
- شخصیت‌ها باید دارای وظیفه باشند و هر شخصیت با وظیفه‌اش در تداوم باشد.  
- شخصیت‌ها باید با اراده و خواست خود ایفای نقش کنند.  
- هر بخش را با یک گفتار یا کردار و یا پندار قالبی شروع کنید تا از درک سریع موضوع توسط شنونده مطمئن گردید، سپس آن گفتار یا کردار را تغییر دهید. از موعظه و تلقین کسل‌کننده بپرهیزید و مطلب را واضح و بی‌پرده بیان کنید.  
- به هر کدام از شخصیت‌ها یک برجستگی یا مشخصه بارز رفتاری و یا بدنی اختصاص دهید و آن مشخصه بارز

## هرگز به نوع

**احساس اهمیت ندهید،**

**بلکه افکار خود را بر وجود**

**و یا عدم وجود آن**

**احساس، متمرکز کنید.**

**ارتباط احساسی میان**

**شونده و نوشته، منجر به**

**خلق یک نمایش نامه**

**رادیویی خوب و عالی**

**می‌گردد.**

هستند. شخصیت‌های متفاوت،

نمایش نامه را خلق می‌کنند.

**ما در حال حاضر در کجا قرار**

**داریم؟**

خوب، ما در جایی قرار داریم که،

شخصیت اصلی در وسط داستان

قرار داد.

شما از خصوصیات بارز استفاده

کرده‌اید.

شونده، شخصیت اصلی را

دوست می‌دارد.

شونده، آنچه را که برای

شخصیت اصلی اتفاق می‌افتد دنبال

می‌کند و به آن دقت دارد.

شونده نسبت به مخالف یا دشمن

تفاوت دارد.

شخصیت اصلی در حال رشد

است.

### اصول اساسی درباره مکالمات

شخصیت باید پاسخی به یک

موقعیت، طرح داستان و یا یک فعالیت

باشد.

شخصیت باید واکنشی به هر

شخصیت در صحنه نمایش باشد.

شخصیت باید متنوع و همراه با طنز

می‌عیب و نقص نباشند ولی باید جذاب

باشند. شما نمی‌توانید با افرادی که با ما

تفاوت دارند و یا با کسانی که به کمال

رسیده‌اند، اعتقاداتی ندارند، خودشان را

بسیار جدی می‌گیرند و حس شوخ

طبعی و مزاح ندارند، احساس نزدیکی

کنید.

شخصیت خود لحظاتی

محرمانه و خصوصی اختصاص بدهید؛

آن زمانی که خلق سلاح می‌شوند و به

ما اجازه می‌دهند تا در ذهن و وجود

کنکاش کنیم. این حق را به شونده

بدهید و از این لحظات به عنوان

لحظات افشای رازها و رازگشایی‌ها

استفاده نمایید.

شخصیت اصلی باید تغییر کند و به

وسیله طرح داستان تغییر داده شود.

شما باید یک شخصیت اصلی و

چند شخصیت فرعی داشته باشید.

شخصیت اصلی نمایش نامه شما تغییر

می‌کند و شخصیت‌های فرعی احتمالاً

خصوصیات فوق‌العاده و غیرعادی

بیشتری دارند.

شما باید شخصیت‌هایی داشته

باشید که در روابط با یکدیگر در تضاد

را هدف‌مند سازید.

شخصیت اصلی شما باید فعال باشد.

شخصیت فعال با طرح داستان فوری،

لازم است انرژی شخصیت نمایش نامه

با فوریت طرح داستان پیکار کرده و

فوریت طرح داستان انرژی بیشتر

شخصیت را بطلید.

اصول اساسی درباره قهرمان داستان

شونده در جستجوی شخصیت

اصلی است تا او را تحسین کند، زیرا

همه ما خواهان قهرمانان زن و مرد در

زندگی هستیم. خیال‌بافی‌ها و تخیلات

بی‌وقفه در زندگی - که مافوق ادراک

انسان و ماورایی لحظات و زمان است -

بر گرفتاری‌ها فائق می‌شود.

اگر باهوش باشید به جای این که

قهرمان نمایش نامه را به وضوح و

آشکارا در معرض دید قرارداده‌اید، او

معمولی و پیش پا افتاده جلوه می‌دهد و

شخصیت زیر دست یا شخصیتی را که

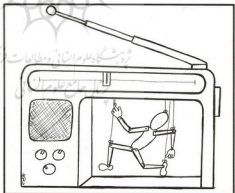
توانایی بیشتری برای درجه انسانیت

دارد، با اهمیت می‌سازید.

جذبه جادویی، شخصیت‌ها

نیازمند اعتبار، جذب و شور و هیجان

هستند. ممکن است افراد کامل و



باشد.  
 - مکالمه باید بین صحنه‌ها ارتباط ایجاد کند. (هر صحنه رابه صحنه بعد از آن وصل کند)  
 - از بی‌طرفی، کنش پذیری و اندیشه‌گری اجتناب کنید و به فعال بودن، احساسی بودن و صراحت روی بیاورید.  
 - مکالمه باید در عین دقیق بودن، باور کردنی باشد و دقیق بودن آن در ارتباط با حالات احساسی و سابقه شخصیت مشهود باشد.  
 - اگر مکالمه واکنشی است به یک عمل و یا یک موقعیت، پس باید در تضادها مهیج و آماده باشداهداف شخصیت‌ها باید در هر صحنه متفاوت باشد.  
 - مکالمه باید یکسره و پیوسته باشد. راهنمایی، شخصیت‌ها اغلب دنباله حرف‌های شخص اول را یاکنکار آخرین لغت گفته شده، پی می‌گیرند.  
 - مکالمه باید با هدف و ساختار نمایش نامه مرتبط باشد.  
 - شعاعی توانید ارتباط مستقیم و غیر مستقیم بین دو شخصیت را در هم آمیزید، زیرا آنها هدف‌های متفاوتی دارند.  
 - مکالمات خنثی‌دار به معنای جوک گفتن شخصیت در طول نمایش‌نامه نیست، بلکه واکنشی است که نسبت به موقعیت‌های مهیج صورت می‌گیرد.  
 - مکالمات سطح بالا در مقابل مکالمات طبیعت گرا، زبان تاثیر هستند. گفتارهای منظوم، فلسف و بحث‌بسرانگیز و عیسارات نمایش‌نامه‌نویس. این مکالمات نه تنها گسترش طرح داستان و پیشرفت شخصیت را نشان می‌دهند بلکه نشان دهنده نظرها و دیدگاه‌های نویسنده

نیز هستند و در رادیو از کارایی خوبی برخوردارند. اما در حال حاضر تعامل بیشتری به طبیعت‌گرایی وجود دارد. تهیه‌کنندگان رادیو دوست دارند که به محصل فیلمسپرداری برسوند و حقیقت‌گرایی را بررسی کنند. در چنین موقعیت‌هایی، شما باید به مطالعات واقعی روی بیاورید.  
**اصول ویژه برای نمایشنامه رادیویی**  
 - وجوه نهفته  
 - وجود تنش و کشمکش میان درون و بیرون  
 - روان‌شناختی بیشتر  
 - آسودگی بیشتر برای کنکاش در واقعیت و ایده‌ال‌ها و ترسیم فاصله میان آن دو.  
 - کار در زمینه بعد پنجم: توانایی شونده برای مشارکت تخیلی  
 - وجود درونی، مطالعه و بررسی افکار، پردازش احساسات و کشمکش‌های شخصی را نشان می‌دهد.  
 - تمام سطوح کشمکش‌های بیرونی قابل بررسی هستند.  
 - حوادث ناگهانی و سریع در طول داستان، زندگی خصوصی شخصیت اصلی را تهدید می‌کند که این‌خود شروع نمایش‌نامه رادیویی به حساب می‌آید.  
 - پایان و نتیجه نمایش‌نامه رادیویی عمیقاً ریشه در توالین احساسی و پیش شخصیت اصلی دارد. تغییرات به عنوان اندازه که درونی‌اند، بیرونی و ظاهری نیز هستند.  
 - جابه‌جایی زمانی بسیار تندتر، سریع‌تر و پیچیده‌تر است. برگشت به گذشته، رجوع به آینده و دوره‌های مختلف

- رادیو به جای نیاز به شخصیت‌های بیشتر، محتاج به شخصیت‌های کمتری است. لازم است شخصیت‌پردازی مستحکم و جذاب باشد.  
 - کانون توجه و تمرکز باید شخصیت اصلی و طرح داستان باشد.  
 - صرفه جویی در استفاده از لغات به شکلی شونده در متن دامن می‌زند و تخیل وی را برمی‌انگیزد.  
 - زیرکی خیلی مهم است زیرا زبان، خیلی مهم است، زیرکی با لغات، انرژی

خوبی مهم است، زیرکی با لغات، انرژی

**مراقب باشید که شخصیت‌ها، به منظور جذاب‌تر کردن نمایش‌نامه، از شوخی‌های مکرر استفاده نکنند. این شیوه بازی به معنی کم‌دلی نیست. مطمئن شوید شخصیتی که از مزاح و شوخ‌طبعی استفاده می‌کند این حس را به طور مداوم داراست.**

با لغات و شوخی و مزاح با لغات زیرکی در این است که شونده را به شکلی آوازیم.  
 - کتابه با حسن تأثیر خود، بیانگر یک نوع درگیری و کشمکش میان زندگی خصوصی و رفتار ظاهری است.

